

قدیمی‌ترین مسجدی که تاکنون در خاک ایران می‌شناسیم مسجد شوش است که طرح یا طرح‌های اصلی آن از طریق حفریات باستان‌شناسی شناسائی شده است. طرح مربوط به تاسیساتی مستطیل شکل با حیاطی مربع است که در آن سه ردیف ستون هر ردیف شامل هفت ستون مربع شکل شبستان (حرم) و ردیفی شامل پنج ستون همراه با ستون گوشه ها رواق حیاط را می‌سازند. (شکل ۱).

ستون‌های چهارگوش توکار - بنای مسجد به اولین دهه قرن

نیست. در قیاس با مساجد ایرانی و عراقی تصور می‌رود که شبستان‌ها هر کدام در زاویه قائم با دیوارهای بیرونی و به همان گونه که از مساجد اردستان، نائین و واسط شناخت داریم (شکل ۲)، تلاقی کرده‌اند. در مساجد واسط و دامغان رواق‌های حیاط به وسیله طاقگان هائی به بخش‌هایی از اتاق که بعداً در مساجد فهرج و همچنین نائین (شکل ۳) به قسمتهای مجزایی تغییر یافته‌اند، تقسیم بندی شده‌اند.

دیوارهای بیرونی مسجد شوش به وسیله ستون‌های توکار مستطیل شکل در طرح اصلی تقسیم بندی و تقویت می‌شوند که تعداد آنها در هر کدام از دیوارهای ضلع طولی چهار ستون و در

شوش، اصطخر، سیراف، دامغان مساجد ستون دار ساده‌ اوایل دوره اسلامی

نویسنده: باربارا فینستر

برگردان: فرامرز نجدسمیعی

دیوار قبله سه ستون است. در حالی که گوشه‌های دیوار قبله را ستون‌های چهارگوش توکاری که به عنوان ادامه دیوارها می‌توانند مفهوم شوند، اشغال می‌کنند، نمای مسجد را ستون‌های توکار جسیم گوشه‌ها که در طرح اصلی چهارگوش هستند همراه با احتمالاً تنها راهروی واقع در وسط، تأکید و تشدید می‌کنند. اینکه آیا مسجد قبلاً به عنوان مسجدی طرح ریزی شده بر روی یک صَفَه طراحی شده بوده است موضوعی مهم اما قابل تصور است. البته مناری وجود نداشته و محرابی مشخص نشده و آثاری به چشم نخورده است، ولی در عوض در گوشه شرقی حیاط بقایای ساخته‌ای به شکل بقعه با طرحی مربع یافت می‌شود که احتمالاً بر چاه آبی سایه می‌افکنده است.

مسجد در طرح اصلی خود خطوط مساجد عربی به ویژه

اول هجری تاریخ گذاری شده است - برای دوره اولیه غیر عادی است و جای سؤال است که آیا پایه ستون‌ها مثل مسجد جامع بغداد، سیراف، یا اسکاف بنی جنید (Iskāf bani Ġunaid) به عنوان زیر ستون برای ستون‌های چوبی کاربرد نداشته است. در آنجا باید ستون هائی از چوب گردو برپا بوده و سقفی مسطح را حمل کرده باشند^(۱). تطبیق اینکه دیوار طاقگان‌ها رواق‌ها را ساخته باشند برای مسجد شوش قابل تصور نیست، بلکه در اینجا نیز طبق نمونه مساجد شبه جزیره عربستان فرسب‌ها مستقیماً روی ستون‌های چوبی قرار داشته‌اند. حتی مسجد منصور در بغداد درست صد سال بعد معرف این نوع از بنای مذهبی که سقفی مسطح داشته، بوده است^(۲).

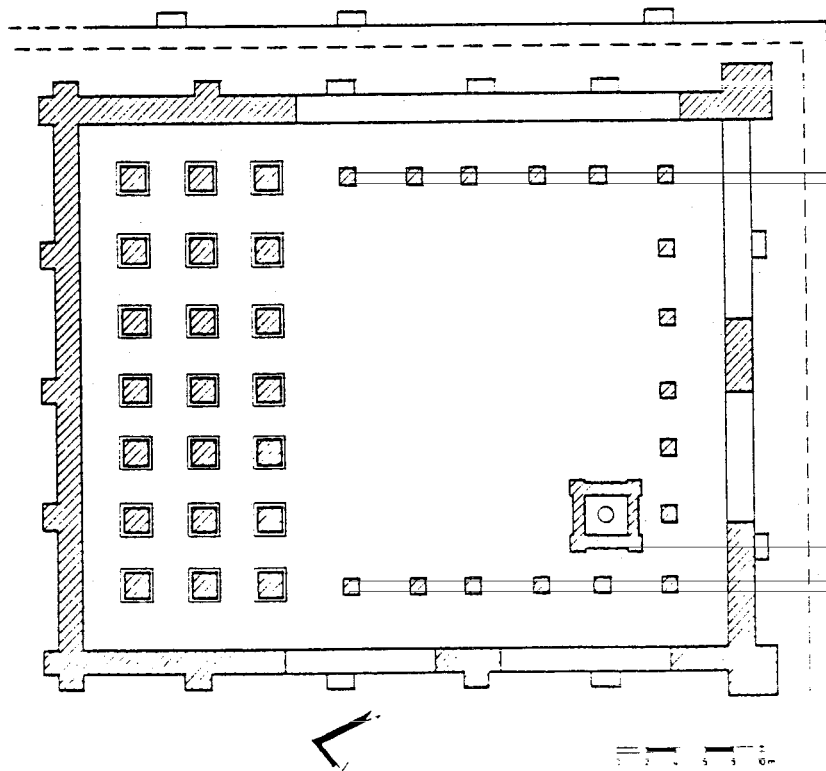
جهت شبستان‌های اشاره شده بدین ترتیب دیگر قابل بازسازی

قدیمی را به همان گونه که در بین النهرین توسعه داده شده است، بر خود دارد. شاخص، حیاط نسبتاً وسیعی است که شبستان درش به آن باز می‌شود. حیاط و شبستان واحدی را تشکیل می‌دهند و اتاق‌ها از هم رد می‌شوند. به واسطه اختلاف ارتفاع البته می‌تواند ظرفیت‌هایی در این حد که شبستان بر رواق بیرون مشرف باشد، ایجاد شده است. برای این مورد نه فقط مساجد مختلف شبه جزیره عربستان یا یمن، بلکه مسجد دامغان (۲) نیز نمونه‌ای عرضه می‌دارد.

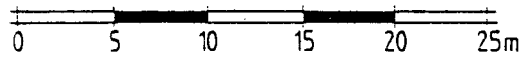
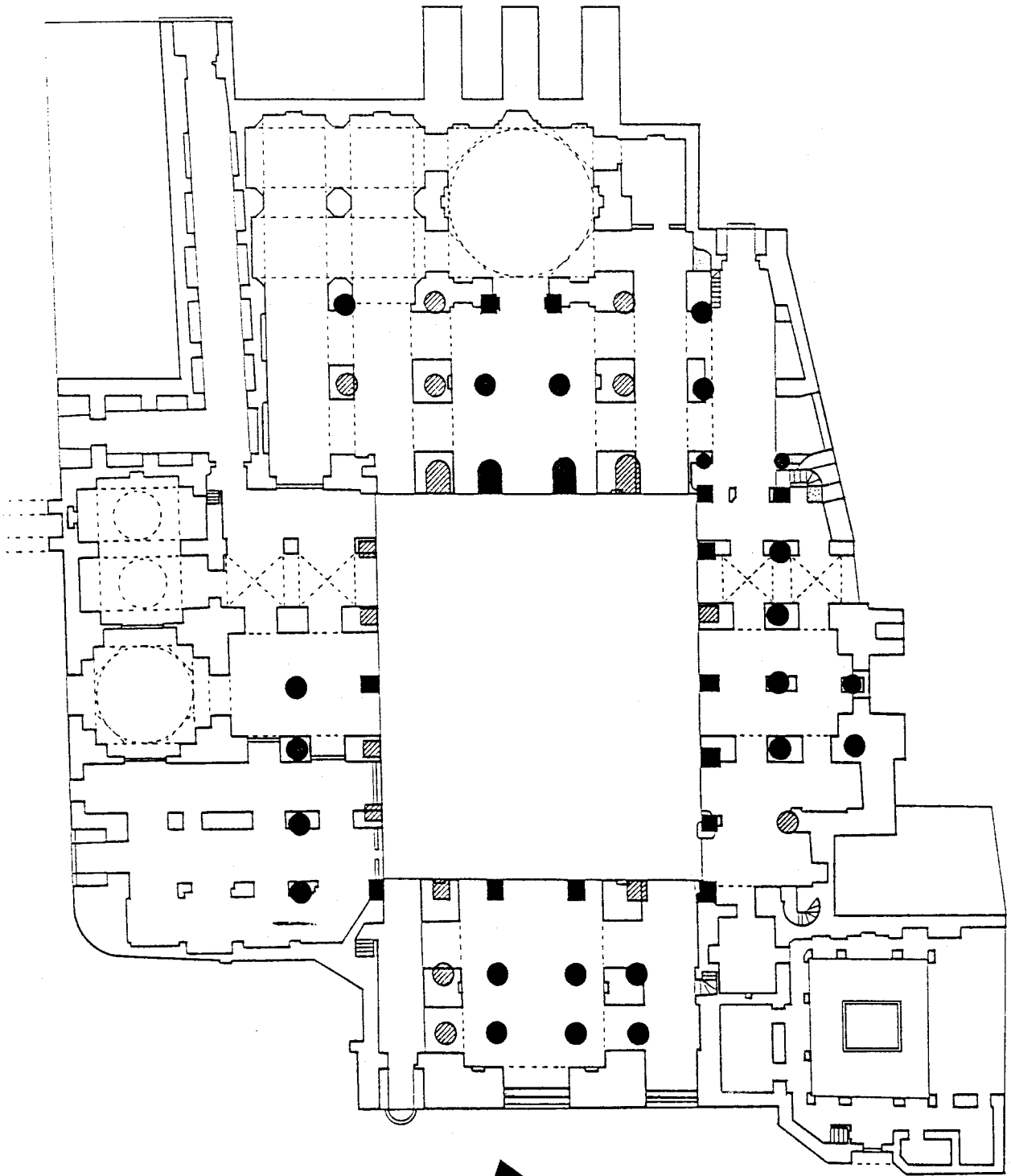
در مسجد شوش ظرفیتی در این حد ایجاد شده که تالار نمازخانه به وسیله پشتیبان‌های جسیم از رواق حیاط عقب نشسته بوده است. بدین وسیله می‌تواند تحت شرایطی ارتفاع بیشتری نیز نتیجه شود. مسجد واسط در سیستم ظریف ثابت ستون‌ها، طبقه بندی اهمیت بخش‌های بنا را نشان می‌دهد. در اینجا در حالی که ستون‌های ساده بدون تزئین برای رواق حیاط تعیین شده بودند، ستون‌هایی با تزئینات بسیار غنی منطقه محراب و ستون‌های کم آذین شبستان را به خود اختصاص

داده‌اند.

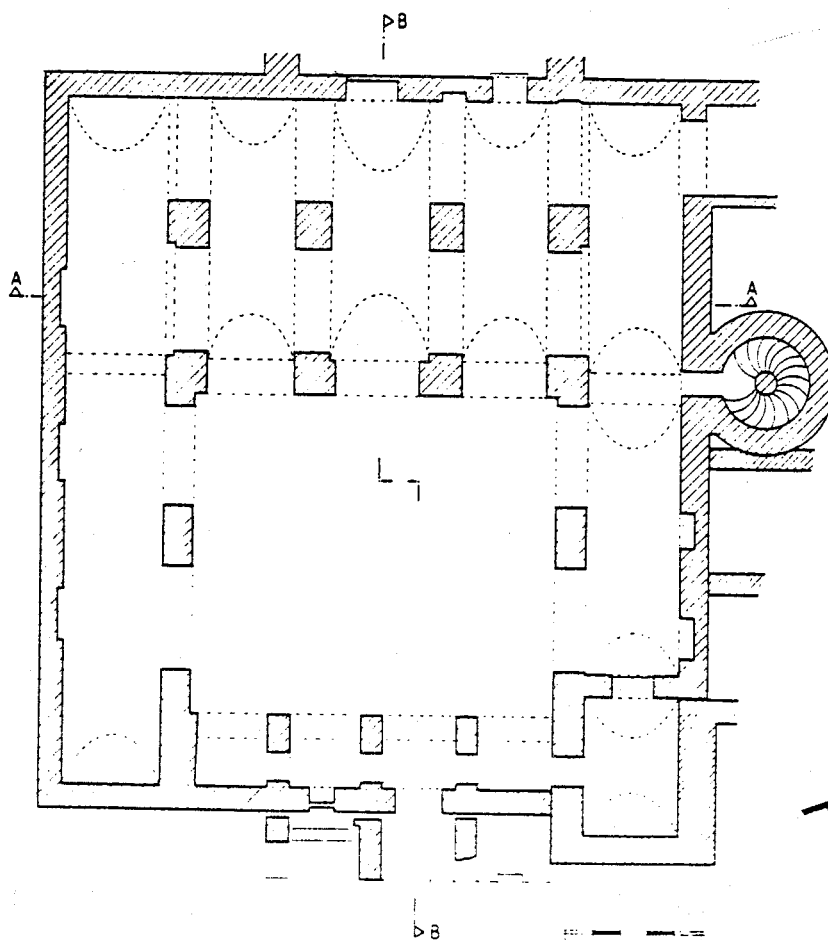
محراب همان طور که ذکر شد علامت گذاری نشده است یا که تخریب دیوار قبله به واسطه ساخت و ساز دومین دوره جای قضاوت نگذاشته است. با این وصف این طور به نظر می‌رسد که محراب به عنوان یک درگاه محراب شکل مورد ادعاست که با توجه به تاریخ گذاری قدیمی تعجب آور به نظر نمی‌رسد. ولی مسجد جمعه سیراف نیز که اساساً خیلی بعدها عرضه شده محرابی نداشته است. بلکه احتمالاً دارای قابی با درگاه پیش نشسته در شکل طاق شبیه به لوح غار قبه الزهرا (Gubbat as - sahra) (۴) بوده است. برای مسجد مرحله دوم محرابی درگاه مانند در چهارمین شبستان از غرب قابل تصور است، چون در اینجا به صورتی آشکار یک درگاه در دیوار قبله پدیدار است. طبق روایت که موقعیت محرابی تعیین شده از قدیم نباید تغییر داده شود، می‌توان تصور کرد که در این محل در قدیم نیز نشانه‌ای برای یک محراب - به هر نحوی که ممکن است پیش بینی شده باشد - تعیین کرده شده است (۵). ولی در مسجد



شکل ۱ - مسجد جمعه شوش، مرحله اول (طرح از م. کروران)



شکل ۲ - مسجد جمعة اردستان (طرح ازب.آ. شیرازی، مسجد جامع اردستان
 ، ترا. ۱۳۵۹، ص ۳۸)



شکل ۳ - مسجد فهرج (طرح از پیرنیا، اصفهان)

اجرا شده منظم مسجد قدیمی عربی ممکن است به عنوان بیان یک قانون کلی دمکراتیک که تمایزی را نمی‌پذیرد، ارزیابی شود. حتی پیشنهاد نیز از جمعیت، با این حال که هدایت آنان را در نماز به عهده دارد، متمایز نیست.

همان گونه که مسجد اصطخر با موقعیت منبر نشان می‌دهد، جایگاهی از محور حتی با قابلیت رؤیت نماد قبله، قابل توضیح نیست. اگر منبر در شبستان الحاق شده از غرب قرار داشت، در این صورت ردیف ستون‌ها در وسط امتداد می‌یافت. در اینجا به صورتی آشکار نمونه مسجد پیامبر در مدینه، جایی که محراب و منبر هر کدام از هم در شبستان خود قرار^(۷) داشته‌اند، منعکس است.

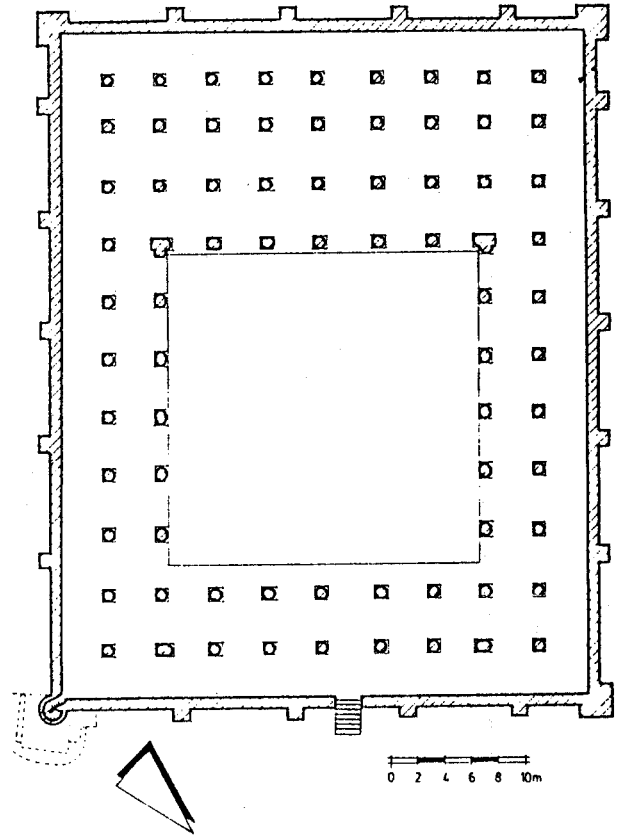
از تزئینات در مسجد شوش، در صورتی که بنا در هر حال با

قدیمی (مرحله اول) نیز محراب در محور بنا قرار نداشته است، بلکه کمی به سمت شرق جابجا شده است و در شبستان چهارم از شرق نیز به همین گونه، در این میان آنچه مشهود است نقشی بازی نمی‌کند. در مسجد اسکاف بنی جنید به عنوان مثال محراب از محور طوری به سمت شرق تغییر جا داده شده است که ردیفی از پشتیبان‌ها جلوی دید به محراب را گرفته است. تحلیل‌های مشابهی در مورد مساجد قدیمی یمن، به عنوان مثال در مورد مسجد جامع صنعا (san ā) یا دمار^(۸) (Damār)، نقل شده است.

آنچه به طور کلی مشهود است چیز مهمی نیست، با وجود این که محرابی بایستی باشد که موجود است. نشانه محراب به عنوان نماد حائز اهمیت است. ولی نه مرکزیت قابل رؤیت مسجد به سمت محراب به عنوان "مقدس‌ترین نقطه" در عبادتگاه. این طرح

باشد که در مورد بنای معابد نیز تأثیر گذاشته است. تلاش مشابهی در عراق باعث شده است که مساجد با الحاقاتی احاطه شوند، یعنی با محدوده‌ای که آنها را از بقیه دنیا محفوظ می‌دارد. مسجد تولونید در قاهره ولی با وجود الحاقات با چند پله در ارتفاع بالاتری قرار گرفته است و چنین به نظر می‌رسد که انگار مسجد شوش در مرحله اول خود عیناً دارای فضای آزاد مجزائی بوسیله یک دیوار بوده باشد.

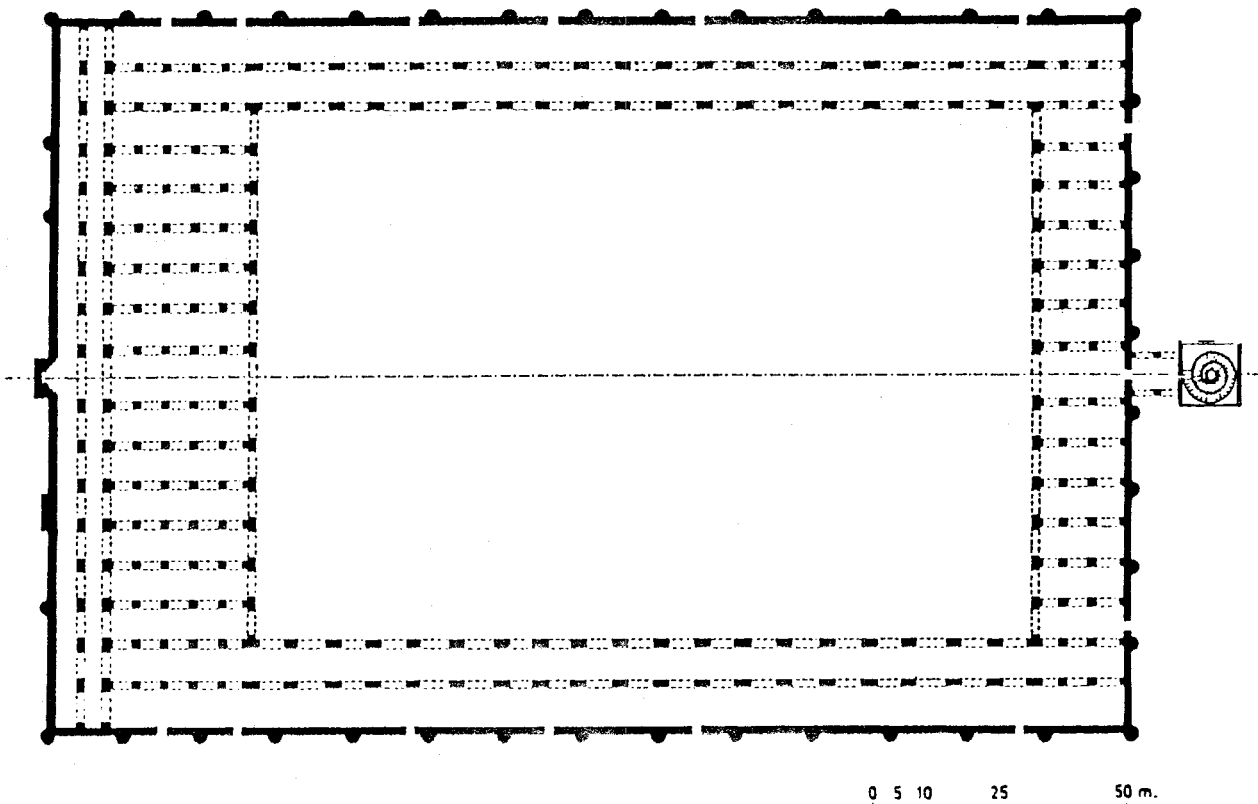
تقسیم دیوار احاطه کننده، با برج‌های گوشه‌ای و میانی بدان گونه که در مسجد شوش قابل یافتن است، به نظر می‌رسد که وابسته به منطقه، یعنی معماری مقدس بین النهرین است. این تقسیم بندی علاوه بر این برای مسجد جمعه اصطخر (شکل ۱ و ۲) و احتمالاً بسطام که در اینجا احتمالاً نمونه‌های عراقی را دنبال می‌کنند، نقل قول شده است. برج‌های گوشه‌ای و میانی در مساجد واسط و سامرا (شکل ۵) نیز یافت می‌شوند. محدوده بالایی دیوار مسجد سامره به طور اضافی بوسیله پنجره‌های گردی که در قاب‌های مربع شکل نشسته‌اند، قطع می‌شود و بدین ترتیب ویژگی‌های دفاعی تأسیسات عظیم را تأکید می‌کند. با این وصف این تقسیم بندی از استحکامات دفاعی گرفته یا حفظ نشده است، بلکه در عراق پیش از این در دوره پارت برای این به کار رفته است که دیوار مدور عبادتگاهی را شکل دهد که بنابراین در دوره گذشته‌تر به عنوان "نشانه اشرافیت" به کار می‌آمده است. بدین ترتیب دارالعماره در کوفه نیز همچنان مثل مسجد و قبه الخضراء (Gubbat - al - Hadra) در واسط، برج‌های گوشه‌ای و میانی را نشان می‌دهند. ولی مسجد شوش علاوه بر این حتی در مرحله قدیمی‌اش یک جبهه ورودی استوار با در ورودی مرکزی عرضه می‌کند که احتمالاً از طریق پله‌هایی قابل دسترسی است و از پهلوی به وسیله برج‌های گوشه‌ای جسیم پشتیبانی می‌شود. البته مورد سؤال است که آیا در مقایسه با بناها در عراق در آن سه نمای دیگر نیز برج‌های گرد سه ربعی در روی پایه‌های مربع به پاخاسته‌اند. با این حال مسجد بدین ترتیب نمای بیرونی گیرائی داشته است که اجازه نمی‌داده است مسجد در بازار یا آشفته‌گی خانه‌ها محو شود، به ویژه مسجد اضافه بر این در روی تپه‌ای قرار داشته است.



شکل ۴ - مسجد جمعه شوش، مرحله دوم (طرح از، گرشمن)

گچ سفیدکاری نشده بود، چیزی از مرحله اول نقل قول نشده است. رنگ سفید از قدیم رنگ بناهای مذهبی بوده و اینک طبق دستور برای مساجد در نظر گرفته شده^(۸) است. برای مسجد مرحله دوم برعکس، که در ویژگی تفاوت زیادی با مرحله اول ندارد، تزئینات کجبری نقشمایه‌های پیچک و کتیبه‌ها گواهی شده است.

ورود به مسجد مرحله دوم از طریق یک ورودی در وسط دیوار شمال غربی انجام می‌گیرد که به وسیله چند پله عملی است (شکل ۴). مسجد زوی سکونی برپا است که آن را فضای معمولی جدا می‌کند. برای سایر مساجد فارس، مثلاً در سیراف، جوویم (gwaim) نرماشیر، راس القشم، کرکم (Krk m)، نیز سکونی روایت شده است. به نظر می‌رسد که در اینجا خصوصیتی وابسته به چشم انداز وجود داشته باشد که برای محل دیگری به اثبات نرسیده است. باید با این وجود جداسازی از زمین، همان تفکیک آگاهانه از فضای معمولی منظور نظر بوده



شکل ۵ - مسجد ابودولف، سامره (طرح از: ل. گلین)

مسجد اصطخر

مسجد اصطخر در طرح اصلی تقریباً مربع شکل خود تا جایی که انتشارات اجازه قضاوت می‌دهند اثری قدیمی و کهن به جا می‌گذارد، با این وصف سرگذشت بنا کاملاً مبهم است (شکل ۶) تصور می‌شود که بنا عیناً مثل مسجد شوش و سیراف در زمان‌های بعدی به شدت تغییر یافته باشد.

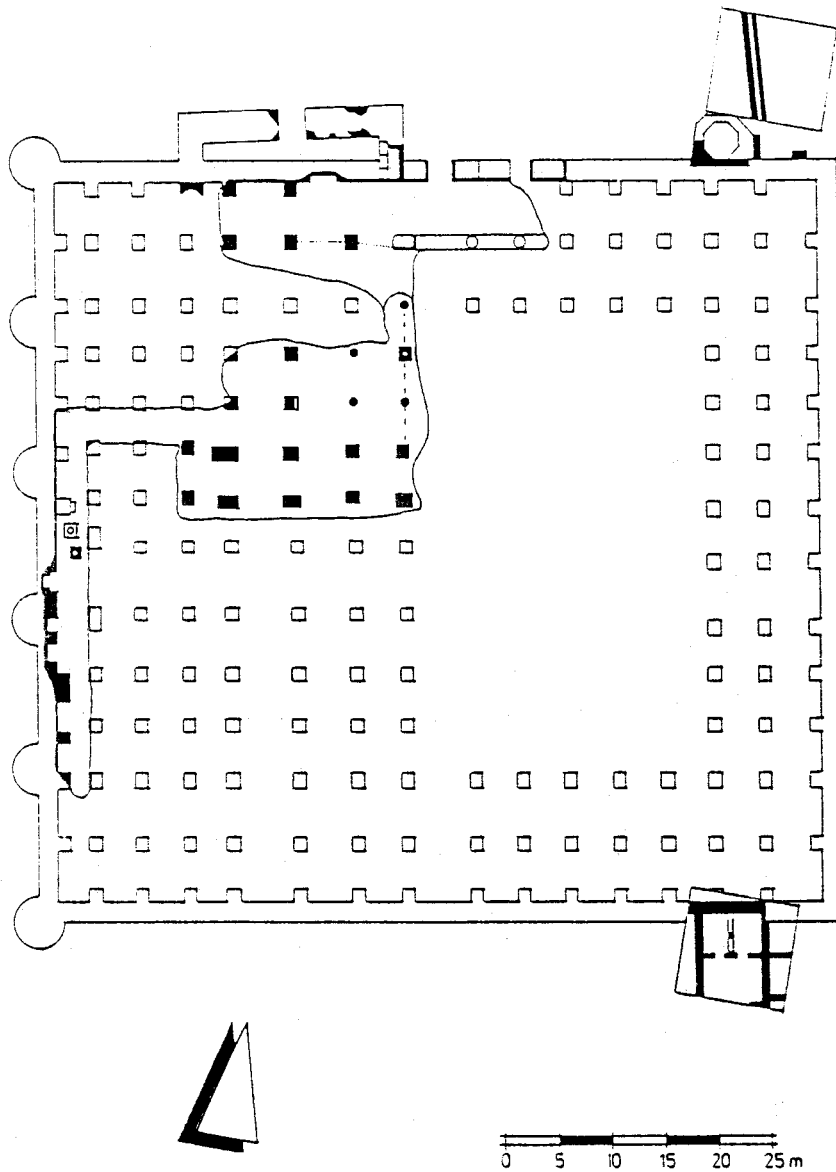
محراب به عنوان یک کاو در دیوار - همان طور که ذکر شد - در اینجا نیز در محور مسجد قرار ندارد، بلکه به سمت شرق جابجا شده که مثل منبر در فاصله‌ای یکسان از محور میانی فرضی، دور است. محراب و منبر در قطعه میانی مسجد که به وسیله طرح برجی نیم دایره نمای جنوبی مشخص می‌شود، جا گرفته است. بین منبر و محراب یک ردیف پشتیبان امتداد یافته است، به نحوی که به هر کدام از آنها طبق نمونه در مسجد مدینه یک شبستان سهم می‌رسد. پشتیبان‌های مسجد از مصالح دوباره به کار گرفته شده،

ستون‌ها و سرستون‌هایی تشکیل می‌شوند که از معماری هخامنشی و ساسانی برداشت شده‌اند. در این میان غیر ممکن نیست که در اینجا نیز مصالح دوباره به کار گرفته شده بر حسب درجه زیبایی شان در شبستان مسجد طوری برپا شده باشند که تأکید روی محدوده محراب را در پی داشته باشند. در قرن ۱۰ "المقدسی" گواهی داده است که مسجد به گونه مساجد سوریه ساخته شده است، چیزی که می‌تواند به یک طاقگان بندی اشاره کند.

مسجد تجهیز شده با برج و باروهای گوشه‌ای و برج‌های میانی نیم دایره، به نوع مساجد عراقی تعلق دارد. منار در اینجا همانند مرحله اول شوش خیلی کم مورد گواهی قرار گرفته است.

مسجد سیراف

مسجد سیراف در هر دو مرحله خود طرح اصلی "مساجد عربی" را عرضه می‌کند، در حالی که اولی به همان نمونه‌ای قابل انتساب



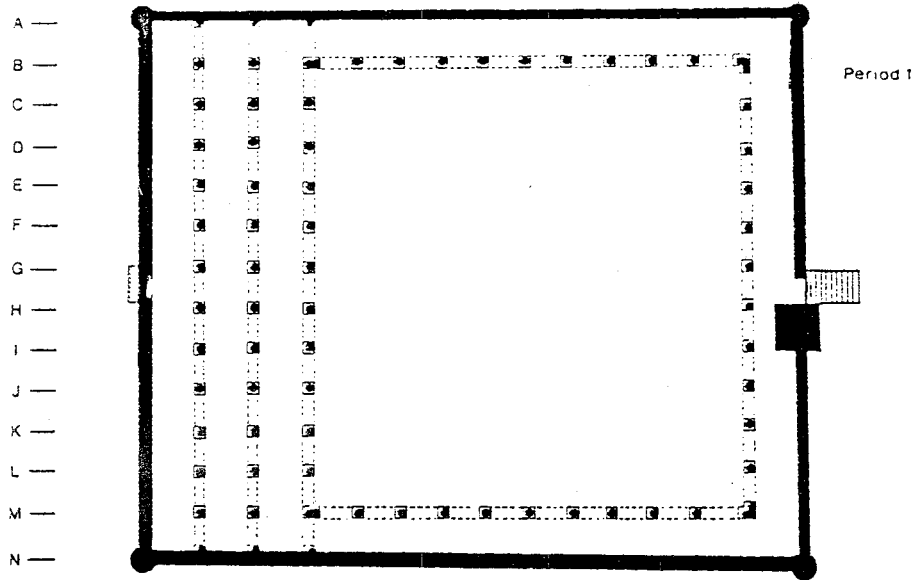
شکل ۶ - مسجد اصغر (طرح از، د. وایت کمپ)

می‌کند. حیاط وسیع در سمت قبله شبستان با سه ردیف ستون محدود می‌شود، رواق‌ها حیاط را با هفت ستون در سمت شمال غربی و جنوب شرقی و هشت ستون در سمت شمال شرقی و جنوب غربی، احاطه می‌کنند. همه شبستان‌ها باید به عقیده کاوشگران موازی دیوار بیرونی امتداد یافته باشند که خود برای مرحله اول دیوارهای طاقگان دار داشته است.

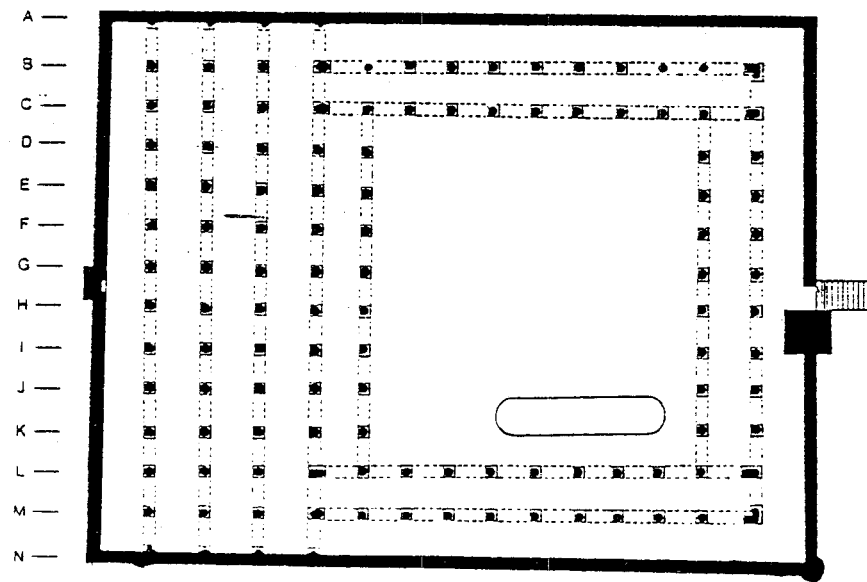
ورودی که فقط از طریق پله‌ها قابل دسترسی است در محور بنا مقابل محراب قرار دارد. بلافاصله در کنار دروازه در شرق

است که مسجد شوش نیز در هر دو مرحله به آن تعلق دارد (شکل ۷ و ۸). در اینجا نیز دقیقاً در آغاز تأکید روی جهت طولی، نمای ورودی آشکار، شرایط مشابه سطوح مسقف به حیاط، تنظیم پشتیبان‌ها و این واقعیت که در هر دو مورد مسجدی بر روی سکو مطرح است قابل مشاهده است. البته کیفیت در اینجا مطمئن‌تر است.

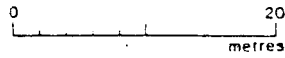
تاسیسات در اولین مرحله خود مربع مستطیلی را توصیف می‌کند که بسط طولی آن از عرضی حدود فقط یک متر تجاوز



شكل ٧ - مسجد جمعة سيراف، مرحلة اول (طرح از، وایت هاوس)



شكل ٨ - مسجد جمعة سيراف، مرحلة دوم (طرح از، وایت هاوس)



مناری روی یک پایه مربع برپا خاسته است. گوشه‌های نما و همچنین دیوار قبله را برجهایی سه ربع گرد قاب گرفته‌اند. بدین وسیله مسجد نه فقط جهتی هدف دار - همان گونه که در مسجد دمشق مصداق دارد - بلکه ترکیبی عمدی به سمت محراب دارد. منار طبق سنت منارهای بین النهرین به عنوان مناری تنه گرد بالا رفته است.

محراب که نخست فقط به عنوان کاوی مسطح یا در شکل یک قاب عرضه شده است، بعداً به وسیله یک محراب کامل جایگزین شده است که طرح اولیه آن باز هم طبق سنت عراقی مربع مستطیل مسطحی را می‌سازد. منبر احتمالاً مطابق مرحله دوم در پایه ضمیمه شده از غرب قرار داشته است.

مسجد در دومین مرحله خود وقتی به سمت غرب توسعه یافته، ماهیت بنا تغییر عمده‌ای نیافته است. ولی بدین وسیله استواری بسط طولی و محور محراب را که به مفهوم کشیدگی اضافی طرح اصلی بوده است، در پی داشته است. البته حیاط محتملاً به دنبال سلیقه جدید باب آن عصر وسعت خود را از دست داده است. در گوشه شرقی حیاط اینک چاهی حفر شده است (یا دوباره بازسازی شده است) که برای شست و شوی به کار نمی‌رفته است. تاسیسات اصلی برای شست و شوی در سمت شرق در پائین، خارج از مسجد اصلی جا گرفته بوده است.

محراب، طاقچه قابل مشاهده‌ای از سمت بیرون را تشکیل می‌داده که ظاهراً با گچبری‌های زیادی مثل تمام پایه محراب تزئین بوده است.

کنگره‌هایی از گچ که با آذین برگ نخلی پر شده بودند، در راس نمای بیرونی قرار گرفتند. کنگره‌ها با وجود اینکه به هر بنای مذهبی تعلق داشته‌اند و برای هر مسجدی باید تصور کرده شوند، فقط در اینجا برای ایران تأیید شده‌اند. آنها برای مساجد دمشق، مدینه، سامره، مساجد قدیمی قاهره، مساجد یمن یک علامت مشخصه هستند. کنگره‌ها از دوره باستان به عنوان نشانه اشرافیت برای معابد و بنای کاخ‌ها معتبر بوده‌اند و به همین سبب نیز در بناهای مذهبی اسلامی پذیرفته شده‌اند.

مسجد دامغان

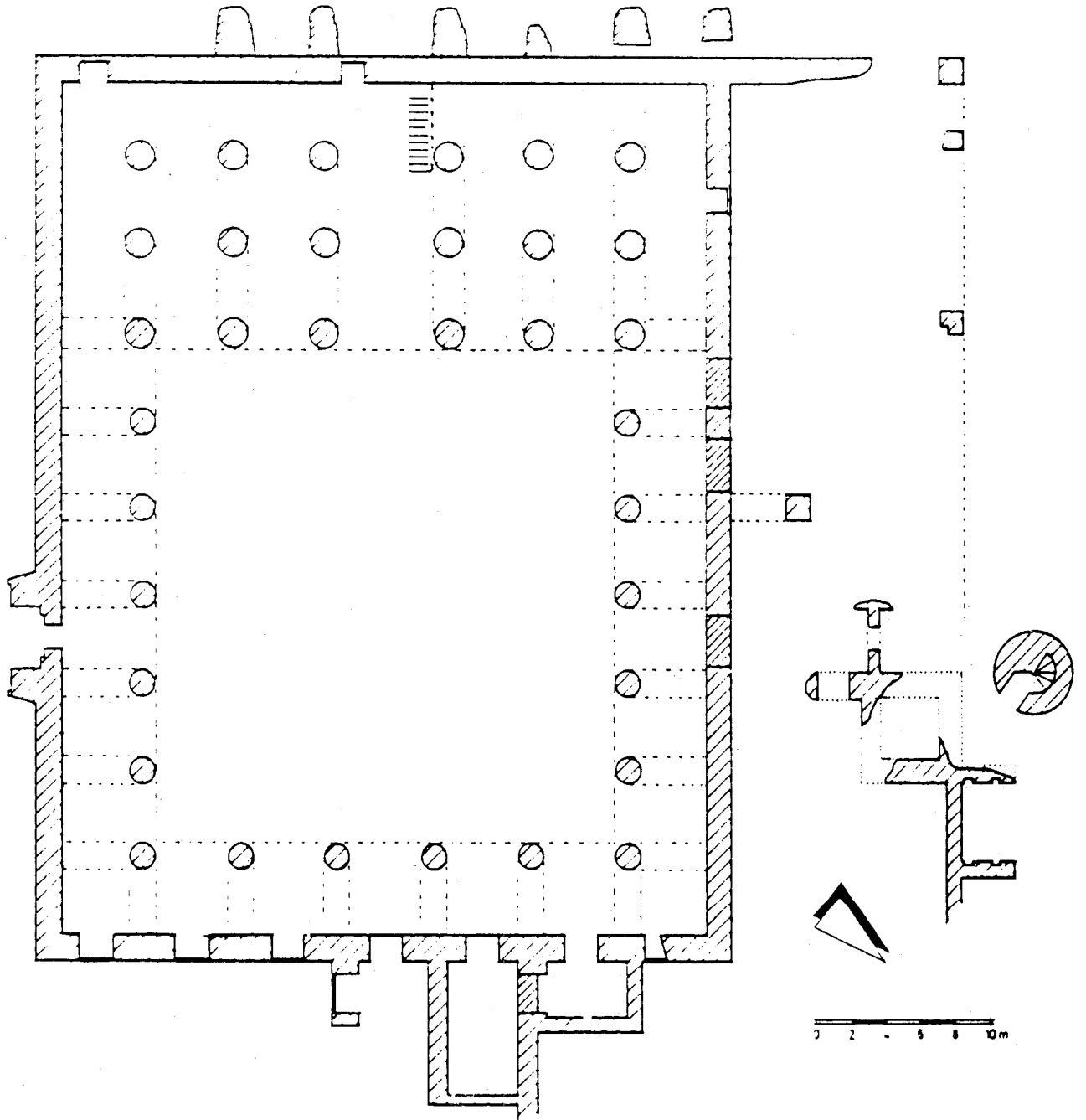
تنها مسجد تقریباً کاملاً سالم قدیمی ایران در شمال شرقی

سرزمین، در خراسان قرار دارد. مسجد نشان دهنده خطوطی است که می‌توانند به عنوان خطوطی وابسته به منطقه معتبر باشند، ولی با این وصف نشان می‌دهد که فرم‌های ویژه و تزئینات فضا در بناهای بین النهرین نیز باز یافته می‌شود.

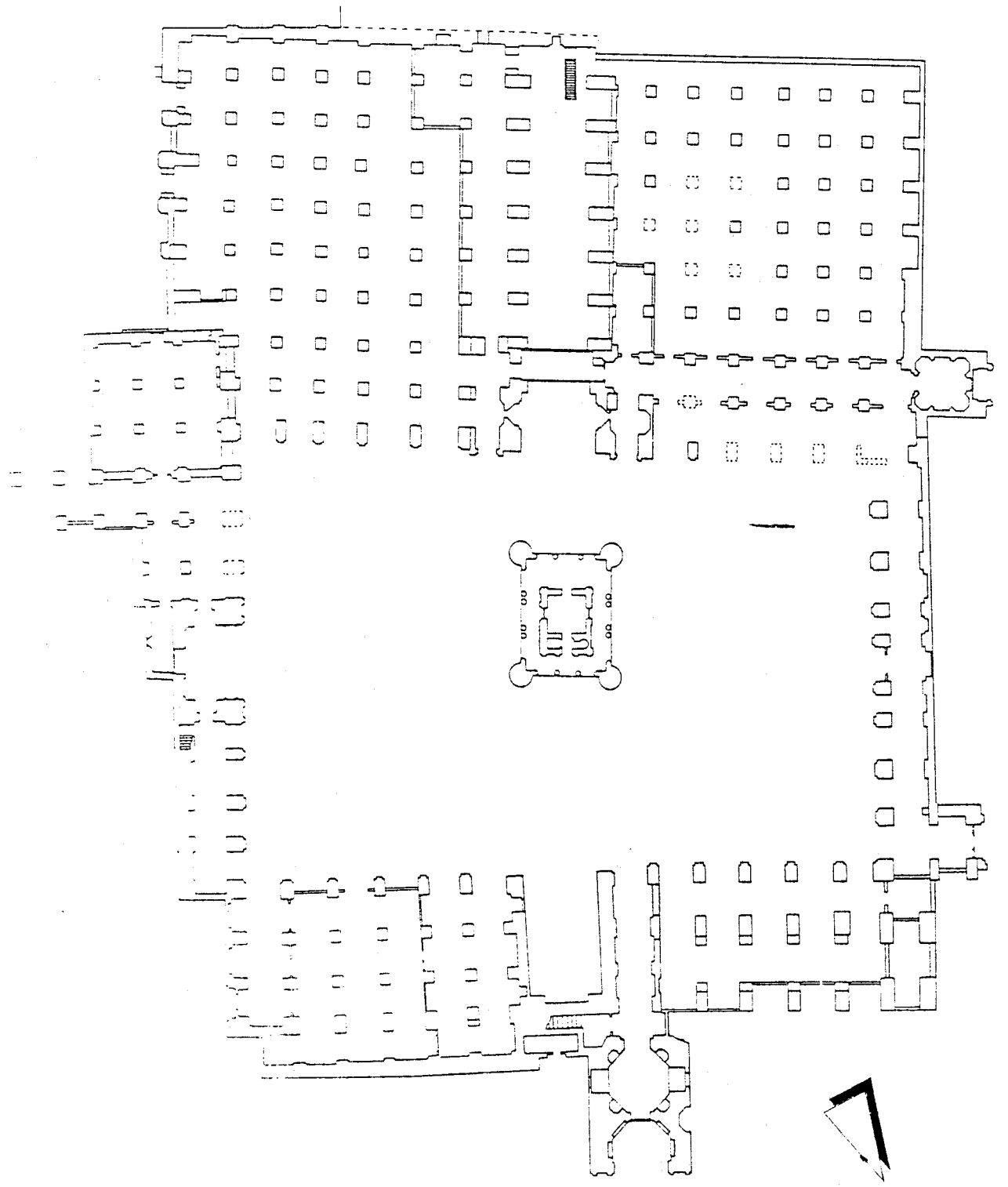
مسجد دامغان از نظر طرح کلی به طور گذرا یادآور مسجد شوش است، با این وصف سطح حیاط نسبت به بخش‌های مسقف کوچکتر است (شکل ۹). این تاسیسات نیز مستطیل شکل است. هفت شبستان با هر سه طاقگان، شبستان اصلی (فضای حرم) را تشکیل می‌دهند، رواقی حیاط را دور می‌زند که طاقگان‌های آن مثل طاقگان‌های فضای حرم قائم الزاویه به سمت دیوار بیرونی می‌رود. به وسیله شبستان عریض وسط و ورودی شمال شرقی، محوری ایجاد می‌شود که البته بعداً در یک بی‌هدفی خاص ادامه می‌یابد و بین منبر و محراب که همراه با هم در شبستان وسط جا گرفته‌اند، پایان می‌گیرد. در رواق شمال شرقی با وجود اینکه در آنجا یک ورودی وجود دارد، خرپای عریض‌تری متناسب با آن نیست. ورودی دیگری در شرق وجود دارد. در شمال وجود درهائی حتمی نیست. ورودی شرقی می‌تواند به یک اتاق مجاور یا به محل شست و شوی منتهی شده باشد. یک چنین ترتیبی در مسجد "اموی" دمشق نیز یافت می‌شود، جایی که بوسیله دو بازوی عرضی مرتفع محوری ایجاد می‌شود که در شمال مطابق با منار است، ولی ورودی اصلی نیست. ورودی‌های بزرگ بوسیله تنظیم معبد قدیمی به روایتی به طور اتفاقی در شرق و غرب قرار گرفته‌اند.

جابجایی محراب از محور فقط با اهمیتی که به منبر داده می‌شود قابل توضیح است. منبر و محراب ارزش یکسانی دارند که در اینجا خلاصه می‌شوند و به وسیله شبستان وسط تشدید می‌گردند. این ارتباط منبر و محراب که تمرکز نمادین عمل آئین مذهبی است در مسجد دامغان حفظ نشده است، بلکه به همین شکل در مساجد بعدی شیراز و فهرج که احتمالاً به قرن ۹ تاریخ گذاری شده‌اند و همچنین در بناهای یمنی (شکل ۱۰) ظاهر گردیده است.

مسجد در طرح بنای خود غیر عادی به نظر می‌رسد، ولی در تناسب حجم‌های ساختمانی زیبا است. حرم مسجد در ارتفاع اصلی طاقگان خود بنای عظیم محدودی را عرضه می‌کند که بر



کول ۹ - دامغان، تری خانه



0 5 10 15 20 25m

حیاط مسلط است و از رواق کوتاه حیاط متمایز می‌شود. حیاط از این طریق ویژگی یک فضای داخلی را به دست می‌آورد و بدین ترتیب با فضای وسیع مساجد در بین النهرین تفاوت دارد.

شبستان‌ها همان گونه که گفته شد قوائم الزاویه از حرم با سه طاقگان و در رواق‌هایی حیاط هر یک با یک طاقگان به سمت دیوارها بیرونی می‌روند. بدین نحو جزء جزء اجزای ساختمانی به روشنی از هم تفکیک می‌شوند. بین نمای حرم و فضای داخل یک عدم توافق قطعی وجود دارد. بلندی نما از داخل به حد طاق گهواره‌ای نمی‌رسد، طاقگان‌ها به نسبت کوتاه هستند و بدین وسیله تک تک شبستان‌ها از هم جدا می‌کنند. کهن گرائی تاثیر فضا به وسیله نسبت طاق بلند گهواره‌ای به کوتاهی پشتیبان‌های جسیم، تشدید می‌شود. قوس‌ها هنوز فرم شلجمی را نشان می‌دهند که بناهای اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی را مشخص می‌سازد و با این وصف به یک نوک تیز عیناً مثل قوس‌هایی در قصر عطشان (Atsan) ختم می‌شود. فضا یادآور سرسرای قصر الاوخیدر (Uhaidir) با منطقه پست و کمی خفه طاقگان است که بوسیله بلندی طاق باید دل‌بازتر شود.

نمای حرم به وسیله شبستان عریض‌تر میانی که با طاقی گهواره‌ای پوشیده است، تشدید می‌شود، به ویژه که قوس عیناً مثل امروز از یک زمینه مخصوص به خود باید احاطه بوده باشد. بدین وسیله نمای حرم به یادآورنده نمای قصری مثل آنچه که در الاخضرا باقی مانده است، می‌باشد. در این استواری شبستان میانی قبلاً اساس تفکر برای ایوان یا فکر ایوان از قبل، اساس این شبستان قرار داشته است. تحلیل ایوان به عنوان شبستان میانی و فضای عبادی باید خود به خود از آن نتیجه شود.

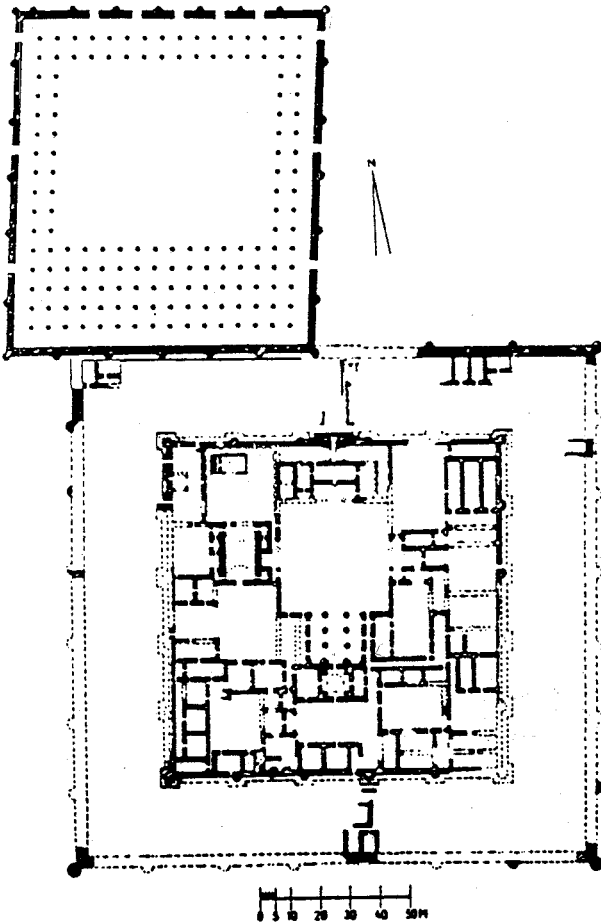
اگر مسجد مناری داشته بود، در این صورت این منار بیرون از بنا در شمال غربی، احتمالاً در داخل نوعی فضای الحاقی قرار داشته است. اینکه آیا مدخل شرقی در اصل پیش از این جایجا شده بوده است، قابل تردید است.

مسجد دامغان اثر هنری کاملی را به نمایش می‌گذارد، چون طرح اصلی یک بنای مذهبی بیگانه برای سرزمین را با امکانات زبانی خاص خود بیان می‌دارد. این سؤال که چگونه به این معماری پیشرفته دست یافته شده است، به سختی قابل پاسخ است. نمونه برای آن احتمالاً در مرکزی بزرگ در شرق، مثلاً در

مرو یا نیشابور قرار دارد.

مسجد در طرح اصلی نمونه‌های "اموی" را به همان شکل که در سوریه ساخته شده بودند دنبال می‌کند. شبستان میانی عریض‌تر که می‌تواند بلند و مجزا باشد، شاخص است. از این میان با وجود اینکه تاسیسات عریض مستطیل شکل، مثل مورد مسجد "اموی" دمشق، با اعتراض ترجیح داده می‌شود، ولی طرح اصلی تغییر ناپذیر باقی می‌ماند و از این طریق از محور قرارگرفتن مؤکد بنا اجتناب می‌شود و جلوه شبستان میانی حفظ می‌گردد.

نظم طاقگان نیز به نمونه مسجد "اموی - سوریه‌ای" باز می‌گردد. اشاره به تالار دامغان از دوره ساسانی برای توضیح (۱۱) معماری مسجد دامغان نباید کافی باشد. تالار تاج گذاری نیز که به قرن ۵ تاریخ گذاری می‌شود و امروزه در



شکل ۱۱ - کوفه، مسجد و الاماره

- ۳- به عنوان مثال، مسجد ظغار ذبین، مقایسه شود با نشریه
 ABADY 1,1982,Taf.107b
- ۴- بدین ترتیب به عنوان مثال اولین محراب مسجد اموی در دمشق و گویا
 محراب مسجد جامع ایروان و غیره تغییر یافته است. وقتی خلیفه جهت
 محراب در مسجد کوردوبا را می خواست اصلاح کند فقیه ابوابراهیم به او گفت:
 ای حکمران مؤمنان! در جهت این قبله امامان اجداد تو، مسلمانان متدین و
 عالم، نیکترین مسلمانان نماز گذارده اند...»
- al - Maqqari,Nafh at - tib (Kairo 1949) 98,S.Salem,Cronologia de
 la mezquita mayor de Cordoba,Al - Andalus 19,1959,400.
- 5- Abady 3,1986,Abb.37.
- 6- J.Sauvaget,La mosquee omeyyade de Medine : etude sur les
 origines architecturales de la mosquee et de la basilique (Paris
 1947) Abb.5.Taf.II.
- 7- Ann.102
- 8- UVB XXIX. und XXX. vorlaufiger Bericht 1970-71 und
 1971-72 (Berlin 1979) Taf.72.
- 9- Ph.Ackerman in SPA II,834 ff.
- ۱۰- F.Kimball in SPA II ,579 ff,J.Kroger,Sasanidischer
 Struckdekor «ننس کروگر»، گچبری ساسانی نگاشته‌ای در مورد تزئینات
 برجسته گچبری در دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی پس از حفریات
 ۱۹۲۸-۹ و ۱۹۳۱-۲ در تیسفون(عراق) پایتخت ساسانیان = تحقیقات بغداد
 جلد پنجم (مانیتس ۱۹۸۲) ص ۱۹۳.

فاصله‌ای دور بیرون از شهر قرار دارد باید از قبل در آن دوره
 ویران بوده باشد. این تالار فقط ثابت می‌کند که در معماری
 ساسانی طاقگان‌ها در اتاق‌های معینی به کار برده شده‌اند. برای
 مثال می‌توان یکی از تالارهای آتشکده تخت سلیمان، در بنای
 معبدی در عراق، در بنای قصر شیرین، در تالار تاج گذاری تلول
 الاوخیدر (Tulul al-Uhaidir) در دارالعماره کوفه(شکل ۱۱) نام
 برد. سرسراهای ستون داری، خصوصاً همراه با طاقگان از دوره
 ساسانی روایت نشده است. همان گونه که قبلاً گفته شد، مساجد
 ستون دار قدیمی طبق سنت عربی سقف همواری داشته‌اند که
 مستقیماً روی پشتیبان‌ها قرار می‌گرفته است.

مساجد ستون دار همراه با طاقگان در ارتباط با طاق ضربی
 سنتی برای خراسان یک نوپردازی را برای شرق تصویر می‌کند.
 همان طور که ذکر شد نمونه برای آن مسجد "اموی" سوریه بود که
 صرف نظر از مساجد قدیمی بین النهرین در دوره "اموی" در
 ایران نیز برای بنای مذهبی اهمیت یافته بوده است. اشاعه این نوع
 مسجد به عنوان طرح "اموی‌ها" قابل درک است.

پانویس‌ها:

- ۱- کرس ول/آلن (creswell/Allan) ۲۶۸، ستون‌های چوبی همچنین در قاط،
 مرو،الرود، رباط. نگاه کنید به نشریه EMA II,38.
- 2- EMA II,38

